

I'd Better Get Going: 4 Natural Ways to End a Conversation

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

9 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

I should let you go

بهتر است بگذارم بروی · بیشتر از این وقت را نمی‌گیرم

DEF

A polite way to end a conversation while showing consideration for the other person's time.

It is not literally about permission. It gently signals that the conversation is ending, especially on a friendly phone call.

FA

روشی مؤدبانه برای پایان گفت‌وگو همراه با احترام به وقت طرف مقابل.

معنای آن اجازه دادن واقعی نیست؛ به‌ویژه در تماس دوستانه، به نرمی نشان می‌دهد گفت‌وگو رو به پایان است.

I know you have an early meeting, so I should let you go.

می‌دانم جلسه صبح زود داری، پس بهتر است بگذارم بروی.

It's been lovely talking, but I should let you go.

صحبت کردن خیلی خوب بود، اما بیشتر از این وقت را نمی‌گیرم.

2

I'd better get going

بهتر است راه بیفتم · باید کم‌کم بروم

DEF

A natural way to say that you need to leave or finish the conversation now.

The full form is "I had better get going". It creates a clear transition towards leaving without necessarily sounding urgent.

FA

روشی طبیعی برای گفتن اینکه اکنون باید بروید یا گفت‌وگو را تمام کنید.

شکل کامل آن «I had better get going» است. بدون آنکه لزوماً فوری باشد، گذری روشن به سمت رفتن ایجاد می‌کند.

I'd better get going; my train leaves in twenty minutes.

بهتر است راه بیفتم؛ قطارم بیست دقیقه دیگر حرکت می‌کند.

It's getting late, so I'd better get going.

دارد دیر می‌شود، پس باید کم‌کم بروم.

3

Let's catch up soon

به‌زودی دوباره گپ بزنیم · به‌زودی از حال هم باخبر شویم

DEF

A warm suggestion that you talk again and share news in the near future.

It can express a general friendly intention rather than a fixed plan. Add a specific day if you genuinely want to arrange the next conversation.

FA

پیشنهادی گرم برای دوباره صحبت کردن و ردوبدل کردن خبرها در آینده نزدیک.

ممکن است قصدی دوستانه و کلی باشد، نه برنامه‌ای قطعی. اگر واقعا می‌خواهید قرار بگذارید، روز مشخصی اضافه کنید.

I'd better go, but let's catch up soon.

بهتر است بروم، اما به‌زودی دوباره گپ بزنیم.

Let's catch up soon. Are you free next Tuesday?

به‌زودی از حال هم باخبر شویم. سه‌شنبه آینده وقت داری؟



4

It was good talking to you

DEF

A warm closing line after an enjoyable or useful conversation.

The past tense treats the conversation as almost complete and helps signal a natural ending. A common reply is "You too".

FA

جمله‌ای گرم برای پایان یک گفت‌وگوی لذت‌بخش یا مفید.
زمان گذشته گفت‌وگو را تقریباً تمام‌شده نشان می‌دهد و به پایان طبیعی کمک می‌کند. پاسخ رایج «من هم همین‌طور» است.
It was good talking to you. Give my regards to your family.

از صحبت با تو خوشحال شدم. سلام مرا به خانواده‌ات برسان.
"It was good talking to you." "You too."

«صحبت با تو خوب بود.» «من هم همین‌طور.»

5

I won't keep you

DEF

A polite way to say that you will not take any more of someone's time.

It is considerate and useful when the other person is busy. It can introduce the final goodbye without sounding abrupt.

FA

روشی مؤدبانه برای گفتن اینکه دیگر وقت کسی را نمی‌گیرید.
وقتی طرف مقابل مشغول است، با ملاحظه است و بدون ناگهانی بودن خداحافظی نهایی را آغاز می‌کند.
I know you're busy, so I won't keep you.

می‌دانم مشغولی، پس بیشتر از این وقت را نمی‌گیرم.
I won't keep you any longer. Thanks for your help.

دیگر نگهت نمی‌دارم. از کمکت ممنونم.

6

I should get back to it

DEF

A natural way to say that you need to return to your work or previous activity.

"It" refers to a task already understood from the context. The expression gives a practical reason to end the conversation.

FA

روشی طبیعی برای گفتن اینکه باید به کار یا فعالیت قبلی بازگردید.
«It» به کاری اشاره دارد که از بافت معلوم است. این عبارت دلیلی عملی برای پایان گفت‌وگو می‌دهد.
This was a nice break, but I should get back to it.

استراحت خوبی بود، اما باید برگردم سر کارم.
I should get back to it before the deadline.

باید پیش از موعد دوباره ادامه‌اش بدهم.



7

Let's do this again soon

به زودی دوباره این کار را بکنیم · این دیدار را زود تکرار کنیم

DEF

A friendly suggestion to repeat an enjoyable meeting or conversation.

"This" refers to the shared activity. Like "Let's catch up soon", it sounds warmer and more reliable when followed by a concrete plan.

FA

پیشنهادی دوستانه برای تکرار دیدار یا گفت‌وگویی لذت‌بخش.

«This» به فعالیت مشترک اشاره دارد. مانند «Let's catch up soon»، با یک برنامه مشخص گرم‌تر و قابل اعتمادتر به نظر می‌رسد.

I had a great time. Let's do this again soon.

خیلی خوش گذشت. به زودی دوباره این کار را بکنیم.

Let's do this again soon—how about next Friday?

این دیدار را زود تکرار کنیم؛ جمعه آینده چطور است؟

8

Take care

مراقب خودت باش · مواظب خودت باش

DEF

A warm, common goodbye that expresses goodwill and concern for the other person.

It works in friendly speech and messages. It is warmer than a neutral "goodbye" but does not require a long emotional farewell.

FA

خداحافظی گرم و رایجی که خیرخواهی و توجه به طرف مقابل را بیان می‌کند.

در گفتار و پیام‌های دوستانه مناسب است. از «خداحافظ» خنثی گرم‌تر است، بدون نیاز به وداعی طولانی و احساسی.

Thanks for calling. Take care!

ممنون که زنگ زدی. مراقب خودت باش!

Take care, and have a safe journey home.

مواظب خودت باش و سالم به خانه برگرد.

9

I'll be in touch

با شما تماس می‌گیرم · در تماس خواهم بود

DEF

A promise or intention to contact someone again.

It is useful in friendly and professional contexts. If action matters, make it specific by saying when or how you will contact the person.

FA

قول یا قصد تماس دوباره با کسی.

در موقعیت‌های دوستانه و حرفه‌ای کاربرد دارد. اگر اقدام مهم است، زمان یا شیوه تماس را مشخص کنید.

I'll be in touch when I have the final details.

وقتی جزئیات نهایی را داشته باشم با شما تماس می‌گیرم.

Thanks for the meeting. I'll be in touch next week.

از جلسه ممنونم. هفته آینده در تماس خواهم بود.

